

۵۵. ۱۸
۵ خن

مناظر زیبای بهشت

گرد آورنده: عبدالرحمن سلیمی

سلیمی، عبدالرحمن، ۱۳۵۸. مناظر زیبای بهشت / مولف عبدالرحمن سلیمی. . تربت جام: آوای اسلام، ۱۳۸۴. ۶۷ص ISBN: 964-90872-0-6 کتابنامه بصورت زیرنویس. ۱. بهشت (اسلام). الف. عنوان. ۲۹۷/۴۴ BP ۲۲۲/۷۵ ۸۸س	
---	--

مناظر زیبای بهشت

گردآورنده: عبدالرحمن سلیمی

ناشر: آوای اسلام

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴. ۹۰۸۷۲. ۰۰۶

چاپخانه: دقت ۳۴۱۹۵۶۰

حق چاپ محفوظ و مقصود ناشر می باشد.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۴.....	قصه زندگی یا احکام
۵.....	بهشت
۶.....	لذات معنوی
۷.....	احترام مخصوص
۹.....	کمال مادی اهل بهشت
۹.....	همسران بهشتی
۱۵.....	ساختمان بهشت
۱۷.....	لباسهای اهل بهشت
۱۹.....	زمین بهشت
۲۱.....	باغهای بهشت
۲۲.....	سایه های بهشت
۲۳.....	رودهای بهشت
۲۴.....	مشهورترین رود بهشت
۲۶.....	چشمه تسنیم
۲۷.....	چشمه سلسبیل
۲۷.....	چشمه کافور
۲۸.....	فرشهای بهشت
۲۹.....	ظرفها و جامها
۳۲.....	خادمان و ساقیان
۳۹.....	آخرین بهشتی
۴۱.....	ابدیت نعمتهای بهشت
۴۱.....	نعمتهایی که در تصور نمی گنجند

۴۳.....	درجات بهشت
۴۵.....	موعظه
۴۵.....	پرهیز از شرک
۴۷.....	نماز
۴۸.....	توبه
۴۹.....	یاد آوری مرگ
۵۰.....	جهاد فی سبیل الله
۵۲.....	اخلاق
۵۳.....	خاتمه

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه در پی می آید ، حقایقی است که بر من گذشته و به آنها ایمان دارم ممکن است با خلق و خوی بسیاری از مردم هم سازگار نباشد ، و عده ای به این عقاید ریشخند بزنند . اما آنقدر می دانم که ، هر چه اشتباه کرده باشم ، در این مورد که همه انسانها روزی این کره خاکی را وداع خواهند نمود ، هرگز دچار اشتباه نشده ام .

در خلوت خودم ، در دل شبهایی که تمام آنهایی که روزشان را در چارچوب یک زندگی زمینی-بدون اتصال به حیات ابدی- شکل داده اند و رؤیاهای شیرین فردایشان را نظاره می کنند در میان سکوتی که همه اطرافم را فرا می گیرد ، با خودم می اندیشم که من اینجایی نیستم تو هم اینجایی نیستی! اصلاً هر کس جاودانگی و ابدیت را قبول دارد ، اینجایی نیست!..

اما کجایی هستیم ؟ و به کجا خواهیم رفت ؟ چه سرنوشتی در انتظارمان است ؟ چه ره توشه ای بر گیریم که واقعاً ره توشه باشد ؟
نه وبال و سربارمان ؟

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود

به کجا می روم آخر نمائی وطنم

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک

دو سه روزی قفسی ساخته اند از بدنم

ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بردوست

به هوای سرکوبش پر و بالی بزنم

اگر حرفهای حقیر را قبول نداری و می خواهی با تجاهلی عارفانه از کنارشان بگذری ، اشکالی ندارد . اما قبل از آن یک نگاهی به صفحه متوفیات یک از جراید کشور بینداز . بین جلوی اسم کدامیک نوشته که : قبلاً اخطار دادیم توجه نکرد ، مجبور شدیم در سنین جوانی ببریمش . خب حالا چی ؟

حالا هم می گویی نوبت من بعد از همه است ؟ یا اینکه حالا دیگر قانع

شدی که بالاخره روزی هم نوبت ما خواهد رسید؟! راستی اگر مرگ صفی و نوبتی بود، می شد آدمی سرکی بکشد و بعد از اینکه خاطرش جمع شد که حالا حالاها نوبتش نمی رسد، با خاطری آسوده به امورات دنیویش پردازد. اما افسوس که در این قسمت عمر، خداوند گلوگاهی گذاشته تا مخلوقاتش در هر حال و شرایطی که هستند «مرگ» را به خود نزدیک ببینند.

شما در حال حاضر مشغول مطالعه این بخش هستید. چون برای سرعت حرکت و فکر و اندیشه آدمی، حد و اندازه ای وجود ندارد، همین الآن در ذهنتان یک مرور کلی از بدو تولد تا کنون بنمایید. ببینید در بین فامیل و بستگان و دوستان و آشنایان و همشهریانتان، چند نفر دارفانی را وداع گفته اند و به عالم باقی پیوسته اند؟

اگر باور داری که اینجایی نیستی کافی است، چرا که همین قدر که باور کنی «اینجایی» نیستی، واقعاً بستر و استعداد این را داری که بدانی به کجا خواهی رفت؟ و «کجایی» هستی!

وقتی قبول کردی و یقین حاصل نمودی که تو هم عضوی از این کاروان هستی که میان هر دو عدم قرار گرفته اند و هر زمان تعدادی به این کاروان می پیوندند و کثیری از آن وا می مانند.

خوب اگر چاووشی مرگ ندا در داد که: «بیا ره توشه برداریم و قدم در راه بی بازگشت بگذاریم» من چه باید برای ره توشه ام مهیا کنم؟

خوب، حال اگر این پرسش در ذهنت جای گرفته و خواستی به دنبال پاسخش باشی؟ پاسخ آن بسیار ساده است.

کاری ندارد. از همین فردا تصمیم بگیر و روی تصمیمت برای تصاحب جهانی سراسر شادی و نشاط و فرح مقاومت کن. خیلی هم سخت نیست، از همین فردا با خودت این واقعیت را همواره تکرار کن که: همه اعمال و کردار

و نیات و افکار ما ، انعکاس و نتیجه ای در خور شأن آن عمل و کردار و پندار دارند و در حد بضاعت سعی کن ره توشه اخروی ات را فراهم آوری اگر می خواهی الماس جمع آوری نمایی ، [یاالله] . از فردا شروع کن . آدرس را من می دهم . تو که باور کرده ای «اینجایی» نیستی ، پس برای آنجایی که تو را ساخته اند الماس جمع کن . فقط یک شرط جزئی و آسان دارد و آن اینکه آستین بالا بزنی و باور کنی که کارهایی که می کنی همه برای تقرب به خدایی است که پاداش دهنده اصلی است .

از همین فردا . به روی بجه های کوچک و حتی بزرگت لبخند بیشتری بزن . نور عشق و ایمان را در دلهایشان منور کن . با همسرت خوش خلق تر برخورد کن . اگر در مسیر حرکتت پیاده ای را می بینی سوار کن . از او مطالبه پول نکن و به خودت بگو این سوار کردن باشد برای آخرتم . اگر می توانی خود را جای آدمهای ندار و بی بضاعت بگذار و مقداری از آنچه داری به آنها بده .

اگر امکانش برایت وجود دارد درختی غرس کن ، نهالی بشان و حیوانی را سیر کن . از فردا به روی مردم با تبسم نگاه کن . از کنار مشکلات مردم بی تفاوت نگذر و خودت را به جای آنها بگذار و ...

پس «بیا ره توشه برداریم و قدم در راه بی بازگشت بگذاریم» . حقیقتش این است که به قول بزرگی « انسان را عمر دوباره باید ، یکی را تجربه آموختن و دیگری برای استفاده از آن تجربیات .»

حال که چنین نیست . هر انسانی بیش از یک بار امکان بهره مندی از زندگی را ندارد . پس بهترین و معقول ترین راه آن است که از مجموعه تجربیات کسانی که در زمین مرتبط با عالم ارواحند و یا ارواحی که با زمینیان در ارتباط اند و نیز کسانی که توانسته اند از قید حصار تن اندکی رهایی یابند استفاده نماییم . ۱

قصه زندگی یا احکام

در آخرت جایی را پروردگار خلق فرموده ، و ذخیره برای کسانی که با ایمان و تقوا از اینجا برونند ، قرار داده است در این مکان انواع پذیرایی ها و اقسام نعمتها که در حد وسعت و بزرگی آن عالم است تدارک فرموده ، به طوری که دانستن حقیقت و تفصیل آن برای اهل این عالم محال است ، بعین مانند بچه ای که در رحم است از بزرگی ، اوضاع و گزارشات دنیا بی خبر است و لذا در قرآن خداوند مجعلا می فرماید:

هیچکس نداند نعمتهای بزرگی که چشم آنها را روشن می کند و برای آنها ذخیره شده در برابر کردارهای نیک آنها . سجده ۲۷/

مژدگانی فرح بخش ، دلنواز و روح نواز قرآن در دادن وعده بهشت جنان برای مؤمنان ، بی در پی و به تکرار آمده است ، البته این نعمت مستدام الهی مخصوص مؤمنان است که اعمال صالحه و نیکو انجام می دهند ، پس ایمان به تنهایی کافی نیست . پس ناگزیر باید اطاعت و عمل صالح با آن همراه . . . همچنین نعمتهای بهشت و روزیها و خوشگواری های آن حد و مرزی ندارد .

خداوند با آیات کلامش خواسته است ، تا تصویری از این نعمتها را به ساحه عقلا و اذهان ما نزدیک گرداند . و گرنه هدف از این آیات تعیین حد و مرزی برای این نعمتها نیست و از آنجایی که بشر عادتاً به مادیات دلبستگی دارد . خداوند جلّ جلاله ، ما انسانها را به همان جاذبه هایی نوید و امید داده است که قرآن با کمال ایجاز، از آنها چنین یاد می کند : (و هر چه دل بخواهد و هر آنچه که چشم از آنها لذت ببرد ، در بهشت وجود دارد و شما در آن جاودانه خواهید بود) (الزخرفه ۷۱و۷۲)

آری ! انسان در عالم آخرت نیز همچنان انسان باقی مانده ، و تبدیل به ملک نمی شود . بلکه حتی لذت جوئیهای انسان در آخرت ، کاملتر و قویتر از التذذهای او در دنیا است ، بنابراین بهشت از هر جهت آماده پذیرایی و اشباع تمایلات فطری بشری اوست .۱۰